



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مهدویت

دراقدیشه متفکر

شہید مرتضیٰ مطہری (قدس سرہ)

محمود آبادری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری (قدس سره)

نویسنده:

محمود اباذری

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری (قدس سره)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	مشخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه مهدوی
۷	وضعیت قبل از ظهور
۷	وضعیت بعد از ظهور
۸	ضرورت تحقق چنین جامعه‌ای
۹	قانونمندی تاریخ
۹	تکامل تاریخ و جامعه واحد جهانی
۱۰	انتظار
۱۰	انتظار ویرانگر
۱۱	انتظار حقیقی و وظیفه منتظران
۱۱	اشاره
۱۲	مدعیان مهدویت
۱۲	طول عمر حضرت
۱۳	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری (قدس سره)

مشخصات کتاب

نویسنده: محمود اباذری

ناشر: انتظار، ۱۳۸۳

مقدمه

دوازدهم اردیبهشت یادآور از دست دادن عالمی وارسته، مجاهدی خستگی ناپذیر، عارفی واصل فقیهی توانمند، مفسری بزرگ و اندیشمندی است که با شهادت خود جهان اسلام را داغ‌دار نمود. حکیم فرزانه‌ای که «عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کج‌روی‌ها و انحرافات مبارزه‌ای سرسختانه نمود. شخصیتی که در اسلام‌شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود». [۱]. و به فرموده امام راحل - اعلی الله مقام الشریف - «در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان تلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز، جایگزین آن نیست». [۲]. از ویژگی‌های مهم استاد شهید مرتضی مطهری - قدس سره - به بیان اسوه و مقتدای او یعنی امام راحل - قدس سره - این بود که «با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسایل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت و آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روانبخش است». [۳]. یکی از موضوعات مهم و اساسی اسلام تفکر و اندیشه مهدویت است. این موضوع مورد عنایت و توجه خاص این متفکر اندیشمند قرار گرفته و با نگاهی نو، شگرف، عمیق و عالمانه وارد این عرصه شده است و در مناسبت‌های گوناگون آن را از زوایای مختلف مورد بحث قرار داده است. این اندیشه که با نوید قرآن [۴] درباره غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست تبهکاران و جباران برای همیشه و آینده‌ای درخشان و سعادت‌مندانانه برای بشریت، در میان امت اسلام پدید آمد، پیوسته مورد توجه آنان بود؛ به گونه‌ای که پیش از تولد حضرت مهدی (ع) ده‌ها کتاب در این زمینه نوشته شده و اصحاب پیوسته با سؤالاتی مثل «متی الفرج؟» و مانند آن؛ از تحقق و ویژگی‌های این مژده آسمانی پرس و جو می‌کردند. استاد شهید درباره این اندیشه ناب می‌فرماید: این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها فوق‌العاده تاریک و اتر است... [۵]. راسل در کتاب امیدهای نو می‌گوید: امروز دیگر غالب دانشمندان امیدشان را از بشریت قطع کرده و معتقدند که علم به جایی رسیده است که عن قریب بشر به دست علم نابود خواهد شد و می‌گوید: یکی از این افراد انیشتین است او معتقد است بشر با گوری که به دست خود کنده است یک گام بیشتر فاصله ندارد! [۶]. اما ما مسلمین خوشوقیم که بر خلاف این همه بدبینی‌ها که در دنیای غرب برای بشریت به وجود آمده ما به آینده بشریت خوشبین هستیم. که یک حکومت عادل جهانی بر مبنای ایمان، خداپرستی و خداشناسی و بر مبنای حکومت قرآن به وجود می‌آید. [۷]. به راستی آیا این پیشرفت شگفت‌انگیز صنعت و تکنولوژی توانسته است به تمام خواسته‌های جسمی، روحی، فردی و اجتماعی بشر پاسخ کافی بدهد و آرامش و سعادت را برای او به ارمغان آورد و او را از ماورای طبیعت و امدادهای غیبی، بی‌نیاز کند؟ ایشان در کتاب امدادهای غیبی به نقد این تفکر می‌پردازد و می‌نویسد: این خیال، خیال باطلی است. خطراتی که به اصطلاح در عصر علم و دانش برای بشریت است از خطرات عصرهای پیشین بیش‌تر و عظیم‌تر است... و این پیشرفت علمی، او را مغرورتر و غرایز حیوانی او را افروخته‌تر نموده است و به همین جهت خود علم و فن، امروز به صورت بزرگ‌ترین دشمن بشر در آمده است. [۸]. وضعیت آینده بشریت مسئله‌ای است که سال‌هاست فکر بشر را به طور جدی به خود مشغول کرده است. ظلم فراگیر و بی‌عدالتی مسابقه تسلیحاتی با تولید روزافزون سلاح‌های مرگبار اتمی،

هسته‌ای، میکروبی، شیمیایی و... آینده را در هاله‌ای از ابهام فرو برده و یأس و ناامیدی جامعه جهانی را در بر گرفته است. با این که نظریه‌های متفاوت و ناامید کننده‌ای از طرف نظریه پردازان مطرح می‌گردد، ولی اسلام از همان ابتدا با قاطعیت تمام، به عنوان وعده‌ای الهی از آینده‌ای بسیار روشن و درخشان خبر می‌دهد که با تکامل فکری و عقلی بشر، جامعه‌ای کامل و پاک به نام «جامعه مهدوی» در ابعاد جهانی تشکیل خواهد شد. جامعه‌ای که در آن از ستم و جنگ و ستیز هیچ اثری نخواهد بود و عصر زندگی واقعی بشر در آن زمان رقم می‌خورد.

مشخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه مهدوی

این عالم وارسته با بهره گرفتن از آیات و روایات در بحث عدل کلی در ابتدا به قطعیت آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: از قرآن مجید استفاده می‌شود که همه پیامبران الهی - صلوات الله علیهم اجمعین - که از طرف خدای متعال مبعوث شده‌اند، برای دو هدف اساسی بوده است: ۱. برقراری ارتباط صحیح میان بنده و خالق یعنی توحید که در کلمه «لا اله الا الله» خلاصه می‌شود. ۲. برقراری روابط حسنه و صالحه میان افراد بشر بر اساس عدالت و صلح و صفا و تعاون و احساس و عاطفه و خدمت بنابراین، مسئله برقراری عدالت آن هم با مقیاس بشریت هدف اصلی و عمومی همه انبیا (ع) بوده است و مسئله عدالت یک آرزو و خیال نیست یک واقعیتی است که دنیا به سوی آن پیش می‌رود یعنی سنت الهی است و خدا عدالت را در نهایت امر، بر دنیا حاکم خواهد نمود. سپس با بهره گرفتن از روایات به ترسیم «جامعه مهدی» می‌پردازد و می‌نویسد: رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: [۹] «المهدی یبعث علی اختلاف من الناس و الزلازل؛ مهدی (ع) در یک شرایطی می‌آید که اختلاف در میان بشر شدید و زلزله‌ها برقرار است» (مقصود زلزله‌های ناشی از مواد زیر زمین نیست). اصلاً زمین به دست بشر تکان می‌خورد و خطر بشریت را تهدید می‌کند که زمین نیست و نابود شود. «فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ بعد از آن که پیمانانه ظلم و جور پر شد دنیا را پر از عدل و داد می‌کند». «یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض؛ از او هم خدای آسمان راضی است و هم خلق آسمان و مردم روی زمین» بعد فرمود: «یُقَسَّم المال صِحاحاً؛ ثروت را به طور عادلانه و بالسویه تقسیم می‌نماید» «و یملأ قلوب امه محمد غنی و یسعهم عدله، خداوند متعال دل امت اسلام را مملو از غنا می‌کند؛ یعنی خیال نکن غنا و ثروت، تنها همان ثروت مادی است. دل‌ها غنی می‌شود فقرها و نیازها و حقارت‌ها و بیچارگی‌ها و کینه‌ها و حسادت‌ها همه از دل‌ها بیرون کشیده می‌شود. سپس ایشان وضعیت قبل از ظهور و بعد از ظهور را در بیان حضرت علی (ع) دنبال می‌کند.

وضعیت قبل از ظهور

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «حتی تقوم الحرب بکم علی ساقی بادیاً نواجذها مملوءة اخلافها حلواً رضاعها علقماً عاقبتها» [۱۰] پیش بینی می‌کند که قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) آشوب عجیب و جنگ‌های بسیار مهیب و خطرناکی در دنیا هست می‌فرماید: «جنگ روی پای خودش می‌ایستد، دندان‌های خودش را نشان می‌دهد. مثل یک درنده‌ای که دندان نشان می‌دهد، شیر پستان خودش را نشان می‌دهد؛ یعنی آن ستیزه جویان و آتش افروزان جنگ نگاه می‌کنند می‌بینند این پستان جنگ خوب شیر می‌دهد یعنی به نفعشان کار می‌کند، اما نمی‌دانند که عاقبت این جنگ به ضرر خودشان است. «حلواً رضاعها؛ دوشیدنش خیلی شیرین است»، اما «علقماً عاقبتها، عاقبتش فوق العاده تلخ است». «آلا و فی غدٍ و سیاتی غدٌ بما لاتعرفون، بدانید که فردا آبستن چیزهایی است که هیچ پیش‌بینی نمی‌کنید، ولی بدانید هست و فردا با خود خواهد آورد».

وضعیت بعد از ظهور

«یاخذ الوالی من غیرها عملها علی مساوی اعمالها»؛ اول کاری که آن والی الهی می‌کند این است که عُمَّال و حُکام را یک یک می‌گیرد، اعوان خودش را اصلاح می‌کند و دنیا اصلاح می‌شود؛ «و تُخْرِج له الارضُ اقالیدَ کبدها؛ زمین پاره‌های جگر خود را بیرون می‌دهد»؛ یعنی زمین هر موهبتی که در خودش دارد از هر معدنی و استعدادی که شما تصور بکنید را بیرون می‌دهد. هر چه تا امروز مضایقه نموده بیرون می‌دهد. «و تُلقی الیه سِلماً مقالیدها؛ زمین می‌آید مثل یک غلام در حالی که تسلیم است کلیدهای خودش را در اختیار او قرار می‌دهد»؛ یعنی دیگر سَرّی در طبیعت نمی‌ماند مگر این که به دست او کشف می‌شود. «فَیُرِیکم کیف عدل السیره؛ آن وقت او به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی یعنی چه؟» نشان خواهد داد که این همه که دم از اعلامیه حقوق بشر و آزادی می‌زنند همه‌اش دروغ است. این همه که دم از صلح می‌زنند همه‌اش دروغ و نفاق و جو فروشی و گندم نمایی بود. «یُحیی میت الکتاب والسنه؛ قوانین کتاب و سنت را که متروک مانده و به حسب ظاهر مرده و از میان رفته است را زنده خواهد کرد» و نیز فرمود «اذا قام القائم حکم بالعدل» [۱۱] اصلاً حضرت یک لقبی دارد مخصوص به خود که از مفهوم قیام گرفته شده است آن که در جهان قیام می‌کند «القائم». اصلاً ما حضرت مهدی (ع) را با قیام و عدالت می‌شناسیم. «و ارتفع فی ایامه الجور؛ جور و ظلمی دیگر در کار نیست». «و امنت به السُّبُل؛ همه راه‌ها، راه‌های زمینی دریایی، هوایی امن می‌شود». چون منشأ این ناامنی‌ها، ناراحتی‌ها و بی‌عدالتی‌ها است، وقتی که عدالت برقرار شود چون فطرت بشر فطرت عدالت است؛ دلیل ندارد که ناامنی وجود داشته باشد. «و اخرجت الارض برکاتها؛ و زمین تمام برکات خودش را بیرون می‌آورد». «ولایجد الرجل منکم یومئذ موضعاً لصدقته و برّه، و هو قوله تعالی و العاقبه للمتقین» آیا می‌دانید ناراحتی مردم آن وقت، چیست؟ ناراحتی مردم فقط این است که اگر بخواهند یک صدقه‌ای بدهند و یک کمکی به کسی بکنند یک نفر (مستحق) پیدا نمی‌شود یک فقیر روی زمین پیدا نخواهد شد. [۱۲].

ضرورت تحقق چنین جامعه‌ای

نکته بسیار مهمی که در اندیشه شهید مطهری درباره مهدویت درخشش دارد، ضرورت و قطعیت تحقق جامعه مهدوی از منظر حکمت الهی است. از دیدگاه ایشان: مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است؛ چون اسلام یک دین جهانی است؛ چون تشیع به معنای واقعی‌اش یک امر جهانی است. وقتی قرآن می‌فرماید: (و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون) [۱۳] صحبت از زمین است؛ نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد. اولاً: امیدواری به آینده است که دنیا در آینده نابود نمی‌شود زندگی سعادت‌مندانه بشر آن است که در آینده است. دوم: آن دوره، دوره عقل و عدالت است. شما می‌بینید یک فرد سه دوره کلی دارد: دوره کود کانه که دوره بازی و افکار کودکانه است؛ دوره جوانی که دوره خشم و شهوت است و دوره عاقله مردی و پیری که دوره پختگی و استفاده از تجربیات، دوره دور بودن از احساسات و دوره حکومت عقل است. اجتماع بشری نیز همین است؛ باید سه دوره را طی کند؛ یک دوره، دوره اساطیر و افسانه‌ها و به تعبیر قران دوره جاهلیت. دوره دوم، دوره علم است، ولی علم و جوانی، دوره حکومت خشم و شهوت، محور گردش زمان ما یا خشم است یا شهوت. آیا دوره‌ای نخواهد آمد که آن دوره حکومت، نه حکومت اساطیر باشد و نه حکومت خشم و شهوت؟ دوره‌ای که واقعاً معرفت و عدالت، صلح و صفا و انسانیت و معنویت، حکومت کند؟ مگر می‌شود که خداوند این عالم را خلق کرده باشد و بشر را به عنوان اشرف مخلوقات آفریده باشد، بعد بشر دوره بلوغ خود نرسیده یک مرتبه تمام بشر را زیر و رو کند! [۱۴]. در این جا دو سؤال مهم و اساسی وجود دارد که برای تبیین بحث باید جواب متقن و کافی به این دو سؤال داده شود: ۱. آیا قضایای تاریخی قابل پیش‌بینی است؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان آینده‌نگری نمود یا صرفاً اطلاع از آن از مبدا غیب امکان دارد؟ ۲. آیا سیر حرکت و تحولات کنونی بشر به سوی تحقق چنین جامعه عدالت محور جهانی پیش می‌رود یا امر به گونه دیگری است؟

قانونمندی تاریخ

در پاسخ سؤال اول باید گفت: بحث از چیستی تاریخ یکی از شاخه‌های مهم علم تاریخ است که با عنوان فلسفه تاریخ توسط صاحب نظران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برخی از تاریخ شناسان جریان‌های تاریخی را یک امور اتفاقی و تصادفی و طبعاً غیرقابل پیش‌بینی می‌دانند که تحت هیچ ضابطه‌ای قرار نمی‌گیرد و با بررسی تحولات تاریخی نمی‌توان آینده نگری کرد. در مقابل، نظریه دقیق و عمیق دیگری است که تاریخ را کاملاً قانونمند می‌داند؛ قواعد و ضوابطی بر آن حاکم است که با بررسی سلسله جریانات و تحولات تاریخی می‌توان آینده را ترسیم نمود. یکی از مباحثی که بسیار عالمانه و دقیق و عمیق توسط شهید مرتضی مطهری مورد بحث قرار گرفته است، بحث قانونمندی تاریخ است. ایشان پس از طرح بحث چیستی تاریخ و جامعه و نقل دیدگاه‌های گوناگون و نقد آن‌ها، این دیدگاه که جامعه به نوبه خود مستقل از افراد، طبیعت و شخصیت دارد و دارای خصلت، سنت، قاعده و ضابطه می‌باشد را می‌پذیرد و گوید: تاریخ آن گاه فلسفه دارد و آن گاه تحت ضابطه و قاعده در می‌آید و آن گاه موضوع تفکر و مایه تذکر و آینه عبرت و قابل درس آموزی است، که جامعه از خود طبیعت و شخصیت داشته باشد و گرنه جز زندگی افراد چیزی وجود ندارد و اگر درس و عبرتی باشد درس‌های فردی از زندگی افراد است نه درس‌های جمعی از زندگی اقوام و ملل. او سپس به اثبات این دیدگاه از منظر قرآن مجید پرداخته و می‌گوید: قرآن کریم لا اقل در بخشی از عبرت آموزی‌های خود، زندگی اقوام و امت‌ها را به عنوان مایه تبتّه برای اقوام دیگر مطرح می‌کند. قرآن مکرر در تعبیرات خود موضوع حیات و مدت و اجل اقوام و امت‌ها را طرح کرده است. مثلاً: می‌گوید: (و لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعه و لا يستقدمون) [۱۵] «زندگی هر امتی را پایانی است، پس هر گاه پایان عمرشان فرا رسد نه ساعتی دیرتر بپایند و نه ساعتی زودتر فانی شوند». قرآن کریم این گمان را که اراده‌ای گزافکار و مشیتی بی‌قاعده و بی‌حساب سرنوشت‌های تاریخی را دگرگون می‌سازد به شدت نفی می‌کند و تصریح می‌نماید که قاعده‌ای ثابت و تغییرناپذیر بر سرنوشت‌های اقوام حاکم است. [۱۶]. و مردم می‌توانند با استفاده از سنن جاریه الهی در تاریخ، سرنوشت خویش را نیک یا بد بگردانند [۱۷] از این رو، در عین آن که تاریخ با یک سلسله نوامیس قطعی و لایتخلف اداره می‌شود، نقش انسان و آزادی و اختیار او به هیچ وجه محو نمی‌گردد. [۱۸].

تکامل تاریخ و جامعه واحد جهانی

درباره سؤال دوم؛ یعنی ترسیم جهت و مسیر تحولات جهانی که وابسته به سؤال اول است، ایشان این بحث را با عنوان تکامل تاریخ و سیر آن به سوی تحقق جامعه واحد جهانی مطرح می‌کند و می‌فرماید: بدیهی است بنا بر نظریه اصالت فطرت و این که وجود اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی او و بالاخره روحی جمعی جامعه وسیله‌ای است که فطرت نوع انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است. باید گفت جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر، در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی جامعه جهانی واحد تکامل یافته‌ای است که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد. و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره انسانیت اصیل خود خواهد رسید. از نظر قرآن این مطلب مسلم است که حکومت نهایی، حکومت حق و نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از تقوا و متقیان است. سپس، از سخن استاد خود مرحوم علامه طباطبایی - قدس سره - بهره می‌گیرد که در تفسیر گرانسنگ المیزان این چنین می‌نگارد: کاوش عمیق در احوال کاینات نشان می‌دهد که انسان نیز به عنوان جزئی از کائنات در آینده به غایت و کمال خود خواهد رسید. آن چه که در قرآن آمده است که استقرار اسلام در جهان امری شدنی و لابد منه است تعبیر دیگری است، از این مطلب که انسان به کمال تام خود خواهد رسید. قرآن آن جا که می‌فرماید (من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه)؛ یعنی فرضاً

شما از دین برگردید، خداوند متعال قوم دیگر را به جای شما برای ابلاغ این دین به بشریت و مستقر ساختن این دین خواهد آورد - در حقیقت می‌خواهد ضرورت خلقت و پایان کار انسان را بیان نماید». [۱۹] و [۲۰].

انتظار

حال که به حکم عقل و نقل غلبه حق بر باطل و عدالت بر ظلم قطعی است و سیر و روند تاریخ به سوی جامعه جهانی واحد تکامل یافته به پیش می‌رود؛ وظیفه ما چیست؟ آیا ما باید در انتظار تحقق چنین امری باشیم یا خیر؟ آیا مردم نقشی در تسریع این حرکت یا تأخیر آن دارند؟ به عبارت دیگر وظیفه مردم چیست؟ شهید مطهری که با قلم روان و بیان شیوای خود در عرصه‌های مختلف، به تبیین حقایق و معارف ناب اسلام پرداخته است، درباره انتظار می‌فرماید: اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح‌الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. چیزی که هست این انتظار فرج و این «عدم یأس از روح‌الله» در مورد یک عنایت عمومی و بشری است؛ نه شخصی یا گروهی و به علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است. [۲۱]. اما آن چه که مهم است، این است که یکی از ضربه‌هایی که در طول تاریخ بر اسلام ضربات جبران ناپذیری را وارد ساخته است، تحریف برخی از ارزش‌ها مثل ولایت، محبت، زهد و... است که انتظار فرج هم از این دست برد در امان نبوده و با تحریف و تفسیر نادرست آن به بی‌تفاوتی و پرهیز از هرگونه اقدام اصلاحی و تعطیل امر به معروف و نهی از منکر و حتی دامن زدن به فساد برای تسریع و تعجیل ظهور حضرت، ضربه‌های جبران ناپذیری بر اسلام وارد شده است. استاد شهید که به بیان امام راحل یکی از ویژگی‌های ایشان این بود که با کج‌روی‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه نمود، در این راستا به تبیین حقیقت انتظار می‌پردازد و با بیان معنای صحیح آن به نقد دیدگاه مقابل پرداخته و می‌نویسد: انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است، نیروآفرین و تحرک‌بخش است؛ به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده می‌شود. و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت‌بخش است، فلج‌کننده است و نوعی «اباحی‌گری» باید محسوب گردد. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود (ع) است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شود. سپس در نقد انتظار ویرانگر می‌گوید:

انتظار ویرانگر

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود (ع) این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد. فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباہی‌ها ناشی می‌شود. نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است؛ آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرف‌داری ندارد - از آستین بیرون می‌آید علی‌هذا هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی‌شود. برعکس هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق‌کشی هر پلیدی‌ای به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند، رواست؛ زیرا «الغایات تُبَرَّرُ بالمبادئ؛ هدف‌ها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند». پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این جاست که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام‌جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. این جاست که این شعر مصداق واقعی خود را می‌یابد: در دل دوست به هر حيله رهی باید کرد طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد این

گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند؛ زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (عج) می‌شمارند. بر عکس اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناه کاران و عاملان فساد می‌نگرند؛ زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند. این نوع برداشت از آن جهت که با اصلاحات مخالف است و فسادها و تباهی‌ها را به عنوان مقدمه یک انفجار مقدس، موجه و مطلوب می‌شمارد، باید «شبه دیالکتیکی» خوانده شود، با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات از آن جهت مخالفت می‌شود و تشدید نابسامانی‌ها از آن جهت اجازه داده می‌شود که شکاف وسیع‌تر شود و مبارزه پی‌گیرتر و داغ‌تر گردد، ولی این تفکر عامیانه فاقد این مزیت است. فقط به فساد و تباهی فتوا می‌دهد که خود به خود منجر به نتیجه مطلوب بشود. این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی و این نوع انتظار فرج، که منجر به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می‌شود و نوعی «اباحی‌گری» باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد.

انتظار حقیقی و وظیفه منتظران

اشاره

آن عده از آیات قران کریم - که هم‌چنان که گفتیم ریشه این اندیشه است و در روایات اسلامی بدان‌ها استناد شده است - در جهت عکس برداشت بالاست. از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است: (وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم انما یعبدوننی لایشرون بی شیئاً) [۲۲] «خداوند به مؤمنان و شایسته کاران شما وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد؛ هم‌چنان که پیشینان را قرار داد، دینی که برای آن‌ها پسندیده است را مستقر سازد، دوران خوف آنان را تبدیل به دوران امنیت نماید - دشمنان آنان را نابود سازد - بدون ترس و واهمه خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند و چیزی را در عبادت یا طاعت شریک حق نسازند». ظهور مهدی موعود منتهی است بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان، وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان و مقدمه‌ای است برای وراثت آن‌ها خلافت الهی را در روی زمین: (و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) [۲۳] ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد. [۲۴]. حدیث معروفی که می‌فرماید: «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» نیز، شاهد مدعای ماست نه مدعای آن گروه. در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر گفته شده بود «یملأ الله به الارض ایماناً و توحیداً و صلاحاً بعد ما ملئت کفراً و شرکاً و فساداً»، مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت وجود داشته باشند. در آن صورت استنباط می‌شد که قیام مهدی موعود برای نجات حق از دست رفته و صفر رسیده است؛ نه برای گروه. اهل حق ولو به صورت یک اقلیت. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و

فساد زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمان‌اند و در ردیف یاران سیدالشهدا (ع). از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد، آن چه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است، نمونه‌ای از این سلسله قیام‌هاست. این جریان‌ها نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد. در برخی از روایات اسلامی سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی (عج) ادامه پیدا می‌کند و چنان که می‌دانیم بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولت‌های شیعی معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود ادامه خواهد یافت، همان سلسله دولتی باشد. این احتمال هر چند ناشی از ضعف اطلاعات اجتماعی و عدم بینش صحیح آنان نسبت به اوضاع سیاسی زمان خود بوده اما حکایتگر این است که استنباط این شخصیت‌ها از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یکسر، درهم بشکند و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی ظاهر شود، بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی‌بند و باری تلقی می‌کرده‌اند. از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزه حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده است. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا (ع) و مردان مبارز در راه حق است. [۲۵]. مباحث دیگری درباره موضوع مهدویت در آثار ایشان به چشم می‌خورد که به خاطر طولانی شدن مقاله از تفصیل آن‌ها خودداری می‌شود و تنها به دو مورد از این مباحث اشاره می‌شود:

مدعیان مهدویت

داستان ادعای مهدویت یا نسبت دادن آن به اشخاصی دیگر که از ناحیه دشمنان جاه طلب و سودجو یا دوستان جاهل و نادان در طول تاریخ و در مناطق مختلف مطرح شده است، از نگاه ایشان مورد توجه قرار گرفته است، ایشان می‌فرماید: چون چنین نویدی در کلمات پیغمبر اکرم (ص) بوده است، احیاناً از آن سوء استفاده‌هایی شده است و این خود دلیل بر این است که چنین خبری در میان مسلمین از زبان پیغمبرشان پخش و منتشر بوده است و اگر نبود آن سوء استفاده‌ها نمی‌شد. یعنی وجود این ادعاها بهترین دلیل بر صدق اصل این نوید است. سپس برای روشن شدن اذهان مردم به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازد مثل: قیام مختار و اعتقاد به مهدی بودن محمد حنفیه و این که خود را نایب خاص او می‌دانست؛ قیام نفس زکیه و اعتقاد به مهدویت نیرنگ منصور عباسی در این که نام فرزندش را به همین جهت مهدی گذاشت مدعیان مهدویت در میان اهل تسنن مثل مهدی سودانی در سودان و قادیانی‌ها در هند و همین‌طور نسبت دادن مهدویت به برخی از ائمه (ع) یا برخی از فرزندان آن‌ها مثل نسبت دادن آن به اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) و نمونه‌هایی دیگر.... سپس می‌فرماید: این‌ها همه نشان می‌دهد که زمینه مهدی امت در میان مسلمین به قدری قطعی بوده است که جای شک و تردیدی نیست. [۲۶].

طول عمر حضرت

ایشان در فرازی از تحلیل علمی خود نسبت به طول عمر حضرت می‌فرماید: این یک امر عادی و طبیعی است و بشر امروز دنبال آن است که با یک دواها و یک فرمول‌هایی عمر بشر را افزایش دهد. همیشه خدای متعال نشان داده است که وقتی وضع دنیا به یک مرحله می‌رسد، مثل این که دستی از غیب بیرون می‌آید و یک تحول ناگهانی رخ می‌دهد و یک وضعی پیش می‌آید که با قانون طبیعت (که تا آن روز شناخته شده) اصلاً قابل پیش‌بینی نیست. بنابراین، اصلاً این موضوع جای بحث ندارد. [۲۷]. به امید آن که هر چه زودتر خداوند متعال بر قامت رعنا امام زمان (ع) لباس زیبای فرج را بپوشاند و شاهد تحقق اهداف همه انبیا و اولیا (ع)

باشیم که برای تحقق هر چه زودتر این امر نیاز هر چه بیش‌تر به سربازان آگاه و روشنفکر و فداکاری مثل مرحوم شهید مرتضی مطهری است. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

پاورقی

- [۱] فرازهایی از پیام‌های امام خمینی رحمه الله علیه به مناسبت شهادت آیه الله مطهری.
- [۲] فرازهایی از پیام‌های امام خمینی رحمه الله علیه به مناسبت شهادت آیه الله مطهری.
- [۳] فرازهایی از پیام‌های امام خمینی رحمه الله علیه به مناسبت شهادت آیه الله مطهری.
- [۴] توبه: ۳۳، انبیاء: ۱۰۵، قصص: ۵، اعراف: ۱۲۸، نور: ۵۵.
- [۵] مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، تیر ۱۳۸۲، چ ۲۵، ص ۱۳ و ۱۴.
- [۶] مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۶۵ (کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، بحث عدل کلی).
- [۷] مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۶۵ (کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، بحث عدل کلی).
- [۸] مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۶ (کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر بحث مهدویت در اسلام).
- [۹] بحارالانوار، ج ۵، ص ۸۱ و ۹۲.
- [۱۰] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
- [۱۱] بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۸۳، ص ۳۳۸؛ ارشاد شیخ مفید، باب ۴۰، فصل ۵، ح ۷.
- [۱۲] مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، صص ۱۶۵ - ۱۵۱ (کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (ع) بحث عدل کلی)؛ نظیر این بحث در مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۸ (کتاب امدادهای غیبی بحث آینده بشریت) آمده است.
- [۱۳] انبیاء: ۱۰۵.
- [۱۴] مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۸۰ (کتاب سیره در سیره ائمه اطهار (ع) بحث مهدی موعود (ع)).
- [۱۵] اعراف: ۱۳۴.
- [۱۶] فاطر: ۳۴.
- [۱۷] رعد: ۱۱.
- [۱۸] قیام و انقلاب امام مهدی (ع)، صص ۱۵-۱۹ و ۴۸-۵۰.
- [۱۹] المیزان، ج ۴، ص ۱۳۲، ذیل آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران.
- [۲۰] مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۵۸ به بعد (کتاب مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی بحث جامعه و تاریخ).
- [۲۱] قیام و انقلاب امام مهدی (ع)، ص ۱۴.
- [۲۲] نور: ۵۵.
- [۲۳] قصص: ۵.
- [۲۴] انبیاء: ۱۰۵ و اعراف: ۱۲۸.
- [۲۵] شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲، چ ۲۵، صص ۱۴ و ۱۵ و ۵۱ - ۵۹ همین بحث در مجموعه آثار ۱۸/۱۷۸ کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (ع) تحت عنوان انحراف در شرط ظهور مطرح شده است.
- [۲۶] ر.ک: مجموعه آثار، ج ۱۸، صص ۶۱-۶۵، ۱۷۱-۱۷۷، (کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (ع)).
- [۲۷] مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۶۰ (کتاب سیری در سیره ائمه (ع)، بحث عدل کلی).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

